



درباره

جناب برادر دکتر عباس خامه یار معاون اداره تحقیقات و روابط فرهنگی بنیاد شهید و سردبیر مجله شاهد یاران «دامت برکاته».

با سلام و درود، موفقیت و کامیابی شما را از خداوند متعال خواستارم و آرزوی دیدار با شما را دارم. از شما به خاطر اعتمادی که به من داشته اید و خواهان انجام گفتگو درباره شخصیت امام شهید آیه الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر «قدس سره» شده اید تشکر می کنم. آیت الله صدر رهبری توانا بود که همه ویژگیهای کمال و برتری را با اوج فروتنی در پیشگاه خداوند متعال و اولیای با اخلاص در خود جمع کرده بود. خوشحالم از اینکه به سؤالیهای جنابعالی پاسخ دهم؛ هر چند می دانم واژه ها نمی توانند مرا در توصیف این شخصیت بزرگوار یاری کنند؛ بنابراین از کوتاهی در بیان خود و ناتوانی از ایفای وظیفه خود در ادای حقی که آن شهید برگردن من دارند؛ عذر خواهی می کنم.

پاسخهای حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد یزک

به پرسشهای شاهد یاران

واژه ها نمی توانند مرا در توصیف شخصیت او یاری دهند...

می گفتند و مرا در انجام این کار تشویق می کردند. یکی از سفارشهای بسیار شایسته ایشان این بود که به من گفتند، «شما و هر مبلغ دیگری وظیفه دارید مردم را به حوزه علمیه ارتباط دهید تا حوزه عهده دار مرجعیت و رهبری مردم شود. مردم به کسانی نیاز دارند که این ارتباط را برقرار کنند». در تابستان سال ۱۳۷۹ با ایشان گفتگو کردم و اطلاع دادم که می خواهید به لبنان بروم و شاید دیگر نتوانم بازگردم؛ از این رو ناچار خواهیم بود منطقه ای را که در آن تبلیغ می کردم ترک گویم. ایشان به من گفتند تصمیم با خود شماست؛ ولی من دوست دارم شما بمانید و حتی اگر ناچار باشید تنها این کار را انجام دهید؛ نقش تبلیغی خود را ایفا کنید. نکته مهم این است که مردم، شما را در شهر ببینند. شهید آیت الله محمد باقر صدر «قدس سره»، مردم و به ویژه دانشجویان خود را بسیار دوست می داشتند. ایشان به فروتنی و تواضع و خوشرویی و اخلاق محمدی و دانش و پرهیزکاری و تقوی و موضعگیری شجاعانه و انسانی شهره بودند.

فعالیت‌های فرهنگی عمده شهید محمد باقر صدر (قدس سره) چه بودند و این فعالیتها چه تأثیری از خود به جای گذاشتند؟

آیه الله محمد باقر صدر در خانه تقوی و علم و فرهنگ زندگی می کردند و از اوضاع و شرایطی که در آن به سر می بردند، آگاهی بسیار داشتند. ایشان از تهاجم فرهنگی و طرحهای دشمنان برای هدف قرار دادن کیهان حوزه های دینی و دور کردن آنها از زندگی مردم، رنج می بردند و از این رو، با فرهنگهای وارداتی و مسائلی که تجدد تلقی می شوند؛ ولی در واقع برای جدا کردن اسلام و دین از متن زندگی مردم طراحی شده اند؛ برخورد جدی داشتند.

مجله «سالتنا» که سرمقاله آن با قلم شریف ایشان و با همکاری تنی چند از علمای فاضل و برجسته حوزه نوشته می شد و نیز مجله انصواء که همچون نور انتشار می یافت؛ غبار از چهره احکام اسلامی می زدودند و به مقایسه میان فلسفه قدیم و جدید و مقابله با آرای معرفت شناسی و جامعه شناسی و اقتصاد و جامع الظراف بودن مکتب اسلام در رهبری جامعه می پرداختند.

حالی که خرسندی در چهره شان نمایان بود؛ آن را به من پس دادند و برایم آرزوی موفقیت کردند.

من در درس فقه، خارج ایشان شرکت کردم و روابطمان صمیمی تر شد. برای بهره گیری از مجلس ایشان، در دیدارهای عمومی شرکت می کردم. شهید صدر همیشه توجه به مردم و مسائل آنها را به ما توصیه می کردند و می گفتند، «عالم نباید خود را از مردم جدا کند. فروتن باشید تا خداوند شما را بالا ببرد.»

ایشان همیشه درباره اوضاع مردم و طرحهای دشمنان سخن می گفتند و تأکید داشتند که حوزه علمیه باید در برابر همه طرحهای دشمنان ایستادگی و اسلام را در شکل واقعی خود اجرا کند. ایشان همیشه به ما می گفتند، «هیچگاه مردم را فاسق ندانید. سعی کنید نادانی را برطرف کنید.»

ایشان همیشه بر گفتگو و احترام به اندیشه ها و افکار دیگران و وحدت مسلمانان تأکید داشتند. هنگامی که عده ای می خواستند برای تبلیغ به مناطق مختلف بروند؛ درباره این موضوع به ایشان مراجعه کردم. شهید بزرگوار با من سخن

از چه تاریخی با شخصیت شهید آیه الله سید محمد باقر صدر «قدس سره» آشنا شدید؟ ویژگیهای ایشان را چگونه دیدید؟

در سال ۱۳۶۶، در پی توفیق و خواست خداوند در زیارت مرقد مولا امیر المؤمنین علی (ع)، عازم حوزه علمیه نجف اشرف شدم و سپس، در کنار تنی چند از برادران، در مدرسه لبنانی به تحصیل پرداختم. برخی از دوستان با امام سید محمد باقر صدر (قدس سره) که از نظر شخصیت و دانش و فروتنی زبائند همگان بودند؛ آشنائی داشتند. برخی از طلاب صراحتاً می گفتند که ایشان مرجع تقلید ویژه آنهاست. من در آن زمان شیفته شنیدن موضوعات تازه بودم؛ اما شرم داشتم پرسیم که آیا می توانم خدمت ایشان شرفیاب شوم یا نه. پس از گذشت چند ماه، بر اشتیاقم برای دیدار ایشان افزوده شد؛ از این روز یکی از دوستانم پرسیدم که آیا می توانم به دیدار آیه الله صدر بروم یا نه. او لبخندی زد و گفت که در خانه ایشان به روی همه باز است. به آنجا رفتم. باور نمی کردم که به دیدار ایشان نائل خواهم شد. در خیالم، تصاویری را از این دیدار نقش زده بودم. وارد اتاق شدم. ایشان روی قالیچه ای نشسته و چند کتاب را در برابر خود نهاده بودند. چند تن از شاگردانشان هم دور ایشان حلقه زده بودند. ایشان مرا در آغوش گرفتند و به سینه خود چسباندند. احساس کردم در آغوش پدری هستم که در غربت جویای او بوده ام. بردست ایشان بوسه زدم. خرسندی در دلم موج می زد. ایشان به من گفتند، «شما می توانید نزد من بیایید. من طلاب را دوست دارم و زندگی و وقف آنهاست.» از آن پس، فرصت را غنیمت شمردم و از آن پس، در فرصتهای مقتضی، نزد ایشان می رفتم و مسائلی را استفتاء می کردم. ایشان گاهی مطالب مرا تصحیح و به ممارست بیشتر، تشویق می کردند. در کلاسهای درس ایشان که درباره زندگی امامان (ع) بود و در روزهای تعطیل در مقبره آل یاسین برگزار می شد؛ حضور می یافتم. بعدها توفیق پیدا کردم در دومین دوره اصول، بحث خارج ایشان حضور یابم. پس از چند ماه دفترم را که در آن درس ایشان را ثبت می کردم؛ از من خواستند و پس از آنکه مطالعه کردند؛ در

ایشان همیشه درباره اوضاع مردم و طرحهای دشمنان سخن می گفتند و تأکید داشتند که حوزه علمیه باید در برابر همه طرحهای دشمنان ایستادگی و اسلام را در شکل واقعی خود اجرا کند. ایشان همیشه به ما می گفتند، «هیچگاه مردم را فاسق ندانید. سعی کنید نادانی را برطرف کنید.»



منعکس می کرد. در شب ۱۱ ماه فوریه سال ۱۳۷۹، بعد از غروب، در مسجد جواهری انتظار آمدن ایشان را می کشیدیم، وقتی بر ما وارد شدند؛ ملاحظه کردیم که بشاشت در چهره مبارک ایشان نمایان است. ایشان به محض اینکه نشستند، گفتند: «امشب درس را تعطیل می کنیم؛ چون پیش از آنکه نزد شما بیایم؛ به من خبر رسید که آخرین دُزهای شاه در ایران سقوط کرده است. آنچه به دست امام خمینی (ره) روی داده، آرزوی دیرین پیامبران (ص) بوده است. ما این پیروزی بزرگ را به ایشان و به ملت ایران و امت اسلامی تبریک عرض می کنیم.

شهید محمد باقر صدر (قدس سره) تحقق آرزوهای خود را در آنچه که امام خمینی (ره) انجام دادند؛ می دیدند. امت به رهبر نیاز دارد و امام، امر رهبری را با موفقیت انجام دادند؛ این رهبر، شهید صدر عقیده داشتند که همه باید در این رهبری حکیمانانه که در خداوند متعال ذوب شده است؛ ذوب شوند. از مکتباتی که میان ایشان و امام (ره) می شد؛ میزان عشق و جانبنداری و فرمانبرداری و ایشار در راه اسلام عزیز مشخص است.

شهید صدر با نوشتن قانون اساسی و نوشته هایی در زمینه های دیگر، می خواستند روشن کنند که انقلاب با برکت اسلامی ایران، برای امت اسلامی ارمغانهای گرانبهائی دارد. **مشابه سازی پایه گذاری دولت اسلامی در عراق به عنوان الگو برداری از حکومت اسلامی ایران تا چه میزان مورد نظر و تأیید شهید صدر بوده است؟**

شهید صدر دولت اسلامی در ایران را با همه ابعاد و با آگاهی از مبانی آن درک می کردند. ایشان این احساس را در مواضع خود و با به چالش کشیدن طاغوت مجسم ساختند. شایعه پیوستن سران رژیم عراق به اربابان خود، یعنی استکبار جهانی، بدین معنا بود که آنها با وجود خمینی دیگری در عراق مخالف بودند. به نظر ما، حکومت اسلامی همچنان به عنوان یک الگوی زنده برای حاکمیت اسلام عزیز باقی خواهد ماند و ما امیدواریم نقطه نظرهای رهبران عراق یکبارچه شود و کشور از فتنه ها و گرفتاریها و از لوث وجود اشغالگران نظامی رها شود و عراقی نوین بر پایه حکومت اسلامی تشکیل شود که در آن پیروان تمامی فرقه ها و مذاهب بتوانند با برخورداری از عدالت اسلامی، خوشبختی و عزت را تجربه کنند. **به نظر شما مراکز علمی و دانشگاهی جهان اسلام از اندیشه ها و عقاید شهید محمد باقر صدر (قدس سره) چه بهره هایی می توانند ببرند؟**

مطالعه و بررسی در باره آراء، نظریه ها و عقاید و تحلیلهای شهید صدر (قدس سره)، وفاداری به اسلام و احیای میراث شهیدان است و تعمیم آنها برای تمام کسانی که می خواهند از نگرش نوین اسلامی برخوردار باشند؛ مفید خواهد بود. متأسفانه باید گفت که شهید صدر (قدس سره) مظلوم بود و امت اسلام و جهان از اندیشه ها و عقاید ایشان محروم ماند؛ از این رو ما آرزو داریم نهادهای علمی به انجام این ماوریت مبارک اقدام کنند. **با توجه به گسترش قدرت کمونیستها در سراسر کشورهای عربی در آن زمان، نوشته های شهید محمد باقر صدر (قدس سره)، به ویژه کتابهای «اقتصادنا» و «فلسفتنا» چه تأثیری بر کشورهای اسلامی داشتند؟**

بدون تردید کتابهای «اقتصادنا» و «فلسفتنا» نقش عمده و برجسته ای در دانشگاههای عراق و در دیگر کشورها داشته اند و همین نوشته ها، در زمانی که بیگانگان، رژیم طاغوت گذشته عراق را تقویت می کردند؛ پایه های حکومت آنها را متزلزل ساختند. اندیشه های شهید صدر (قدس سره) و آموزه ها و نظریه های او همچنان مورد نیازند. در شرایط کنونی برای انتشار و تبلیغ این اندیشه ها و ابلاغ آنها به دیگران امکانات بیشتری وجود دارند.

قرار می گیرند و به بیراهه می افتند؛ لذا بسیاری از دانشگاسهیمان، نظریه پردازان، روشنفکران و نواندیشان دینی، برای مقابله با این جریانها به ایشان رجوع می کردند تا آنها را پذیرا شوند و سرپرستیشان را به عهده بگیرند. شهید صدر بی تردید بزرگ ترین نقش را در ایجاد پیکار اسلامی سازمان یافته و پیشرفت آن داشتند و همه مدیون اندیشه و آموزه های ایشانند. **به رغم وجود دیگر مراجع تقلید در نجف، چه عواملی باعث ورود شهید صدر به عرصه مرجعیت شدند؟**

بزرگی علمی و توانائی و قدرت بالای پاسخگویی به سئوالاتی که بنا بر مقتضات زمانه مطرح بودند، دلیل عمده مراجعه مردم به ایشان و پیروی از ایشان بود. دانشجویان دانشگاهها و طلاب علوم دینی در نجف اشرف که شرایط زندگی خود را در آن محیط درک می کردند؛ راه حل مشکلات خود را به ویژه با توجه به طرح اصلاحی شهید صدر در باره وضعیت حوزه و چگونگی شرایط مسلمین و اندیشه بازی که وی الگوی راستین آن بود؛ در مراجعه به ایشان می دانستند. **استقبال از مرجعیت شهید صدر (ره) تا چه میزان بود و به نظر شما چه تأثیری در دیگر کشورهای شیعه داشت؟**

همه کسانی که از اندیشه ها و نقطه نظرها و مواضع شهید صدر (قدس سره) آگاهی داشتند؛ از مرجعیت ایشان استقبال کردند؛ رهبریشان را پذیرفتند و طرحهای ایشان را پاسخگویی نیازهای خود که تشنه معرفت و به دنبال مقابله با اندیشه های مادی و الحادی بودند؛ یافتند. آنها خواهان مرجعی بودند که مقتضیات زمانه را بشناسد و توان پاسخگویی به معضلات دنیای معاصر را داشته باشد؛ از همین رو، طلاب شهید صدر، حامل پیام مرجعیت ایشان در عراق و لبنان و ایران بوده اند. **نظر شهید سید محمد باقر صدر (ره) را در باره انقلاب اسلامی ایران بیان کنید.**

موضوعی را از ایشان به یاد دارم که نقطه نظر شریفشان را



شهید صدر به سؤالات همه پاسخ می دادند و راههای سعادت و رستگاری انسانها را بیان می کردند. در علم کلام و فقه و اصول، سرشار از اطلاعات مفید بودند. ایشان نظریه اصلاح حوزه و مطرح ساختند؛ بدین معنا که حوزه باید توان به عهده گرفتن رهبری را در زمینه های گوناگون به عهده بگیرد تا با اتکاء به احکام جهان شمول اسلام بتوان راه مطمئن را فراروی بشر قرار دهیم که به سعادت او منجر گردد.

شما در کدامیک از زمینه های علمی و فرهنگی با سید صدر (قدس سره) همکاری کرده اید؟

بنده توفیق نوشتن درسهای اصول فقه ایشان را داشتم و به راهنماییهای ایشان در تدریس به برخی از طلاب در مقدمات و برخی سطوح و فعالیتهای فرهنگی پایبند بودم. من ایشان را به منطقه تبلیغی خود در عراق و لبنان می بردم؛ درسهای فرهنگی ایشان را که مرجع بودند؛ در چند دفتر می نوشتم. درس ایشان در تفسیر موضوعی قرآن، بیشترین تأثیر را در ساخته شدن شخصیت من داشت.

زمینه های شکل گیری سازمانهای حزبی و نقش شهید محمد باقر صدر در ایجاد و پیشرفت کار این سازمانها چه بوده است؟

شهید صدر (قدس سره) پی برده بودند که حمایت از اسلام و صیانت از آن، تنها با کار گروهی سازمان یافته امکان پذیر است (علیکم بنظم امرکم) «امور خود را سازماندهی کنید». کارهای تبلیغی را که از سوی یک نهاد، سرپرستی و برای آن برنامه ریزی و اوضاع موجود و نیازهای آن را بررسی نشود؛ بی نتیجه می دانست؛ زیرا مبلغ، نجات دهنده و راهنماست و باید خواسته های جوانان و مردم را پاسخگو باشد. ایشان معتقد بودند که روشنفکران برای پاسخگویی به مشکلات و مسائل ناشی از تهاجم فرهنگی و جریانات الحادی و لائیک و مقابله با آنها به راهنما و رهبر دینی نیاز دارند؛ وگرنه در معرض التقاط